ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
www.iran-newspaper.com

اذان ظهر ۱۳/۰۴ | اذان مغرب ۱۹/۵۷ | نیمه شب شرعی ۰۰/۲۰ | اذان صبح فردا ۵/۰۰ | طلوع آفتاب فردا ۶/۲۹

سخن روز

امام حسن علیه السلام:
خیری که هیچ شری در آن نیست، شکر بر نعمت و صبر بر مصیبت ناگوار است.
تحف العقول ص ۲۳۴

امین الله رشیدی: خلاقیت در موسیقی کم رمق شده

من فکر می‌کنم آنچه که هنرمندان ما به‌ویژه هنرمندان جوان می‌توانند در این روزهای قرنطینه‌ای انجام دهند توجه و تمرکز به موضوع خلاقیت در موسیقی است که سال‌هاست به‌طور کامل نابود شده و یا اگر هم وجود دارد آنقدر نامحسوس و کم‌رمق است که نمی‌توان آن را به کلیت جریان موسیقی تعمیم داد.

بخشی از گفت‌وگوی این خواننده با مهر

ابراهیم داروغه‌زاده: مسئولان از اکران فیلم‌ها حمایت کنند

موفقیت اکران آنلاین فیلم «خروج» آقای حاتمی‌کیا می‌تواند راه جدیدی را برای سایر تولیدات سینمای ایران نیز باز کند و ظرفیت جدیدی برای نمایش فیلم‌ها و بهتر شدن چرخه اقتصادی سینمای ایران باشد. امیدوارم همه مسئولین به موفقیت این حرکت خوب کمک کنند.

گفته‌های دبیر جشنواره فیلم فجر در فارس

ترانه: خدایادارم می‌ترکم... خیلی وقتا ازت خواستم کمکم کنی، هیچ وقتم نفهمیدم چه جور کمکم کردی. دیگه وقتی خودت همه چی رو می‌دونی که من نباید بترسم؛ ولی می‌ترسم.

من ترانه ۱۵ سال دارم
فیلمنامه‌نویسان:
کامبوزیا پرتوی
و رسول صدرعاملی

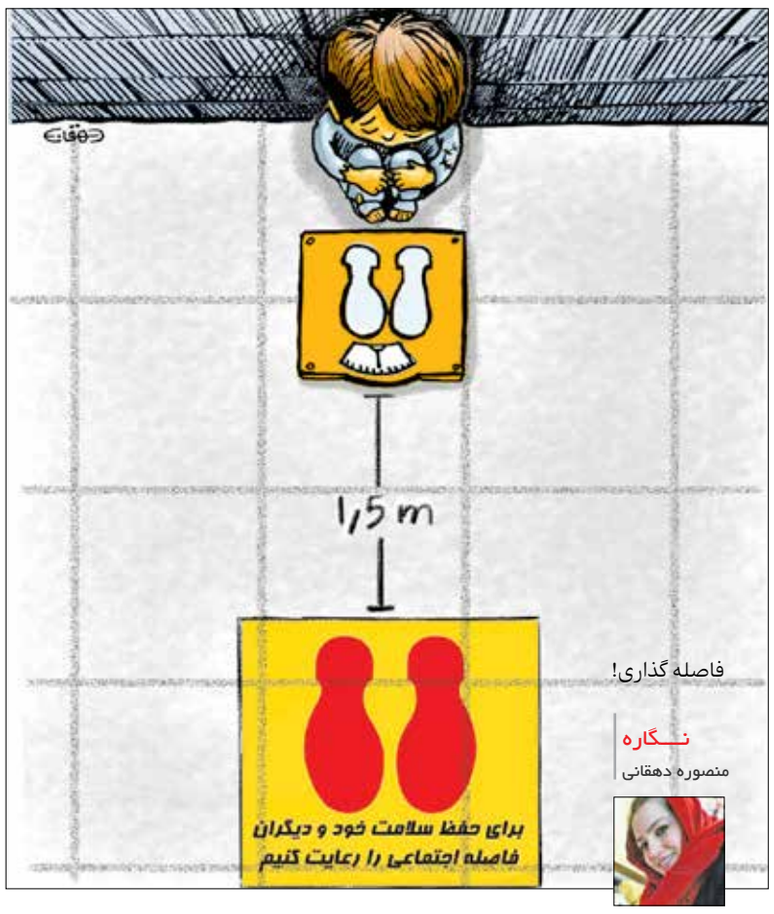

فاصله گذاری!

نگاره
منصوره دهقانی

تکنولوژی نو: رهایی بخش یا ابزار کنترل؟

نقد فرهنگ
ستون چهارشنبه

روبرت صافاریان
منتقد، نویسنده و مترجم

بنا به رسم این ایام که هرچه در هر زمینه‌ای می‌خواهیم بنویسیم باید یک جوری ربطش بدهیم به بیماری جهان‌گیر کرونا و پیامدهای آن مانند خانه‌نشینی و قرنطینه و استفاده از فرصت برای کتاب خواندن و فیلم دیدن و پیشنهاد کتاب و فیلم و سریال و غیره، در جست‌وجوی موضوع مناسب رسیدم به صحبت‌هایی که این روزها درباره کنترل اطلاعات شهروندان و تجاوز به حریم خصوصی و از این دست می‌شود. موضوع از این قرار است که در همه کشورها به نسبت‌های مختلف برای کنترل شیوع بیماری می‌کوشند شهروندان را کنترل کنند. در کره جنوبی حکومت آمار مبتلایان را دارد و اگر شما با یکی از این مبتلایان تماس داشته باشید، متوجه می‌شود و با پیامک به شما هشدار می‌دهد. این اندازه از کنترل که مرکز نظارت معینی هر لحظه بداند هر یک از شهروندان کجا هستند و با کی ملاقات می‌کنند حقیقتاً ترسناک می‌نماید.

ادوارد اسنودن که چند سال پیش به خاطر افشای اطلاعات سازمان‌های اطلاعاتی امریکا مشهور شد و ناچار شد از امریکا فرار کند، این روزها در مصاحبه‌ای اعلام کرده است که شیوه‌های کنترل شهروندان توسط حکومت‌های تمامیت‌خواه، بانک‌های اطلاعاتی و ساختارهایی به وجود می‌آورد که بعد از سپری شدن دوران حاضر نیز به جای خود باقی خواهند ماند و برای نظارت بر شهروندان به کار گرفته خواهند شد. او از این ساختارها و شیوه‌های نظارت به عنوان «معماری سرکوب» نام برده است.

نگرانی از دسترسی بی‌سابقه حکومت‌ها و شرکت‌های بزرگ شبیه گوگل و فیس‌بوک به اطلاعات شخصی و امکان کنترل لحظه به لحظه آدم‌های کوچه و خیابان که می‌تواند برای آگاهی از فعالیت‌های اجتماعی و ممانعت از شکل‌گیری حرکت‌های اجتماعی تحول‌خواه به کار گرفته شود، البته موضوع تازه‌ای نیست. چند سالی است که بحث درباره استفاده فیس‌بوک از اطلاعات کاربرانش و خریدوفروش این اطلاعات و ارائه آنها به نهادهای امنیتی داغ است. چند سالی است که همین رسانه‌های فراگیر که خود بخشی از ماجرا هستند مرتب به ما آدم‌های معمولی هشدار می‌دهند که مواظب باشیم مبادا اطلاعات شخصی‌مان فاش شود و مورد سوء استفاده قرار بگیرد و ما که تا چند روز پیش هیچ اهمیتی نمی‌دادیم شماره تلفن یا ایمیل‌مان را به هر که خواست بدهیم، امروز حتی برای ثبت اینها در سامانه‌ای که برای کنترل بیماری برپا شده نگران و مردد یم.

اما غرض من از نوشتن این چند سطر چیز دیگری است. می‌گویند بشر فراموشکار است. الان ترس از اینکه حکومت‌ها از امکانات دیجیتال و اینترنت برای کنترل ما استفاده کنند چنان فراگیر شده که فراموش کرده‌ایم تا همین چند سال پیش هم صحبت از امکانات بی‌نظیر و دنیای آزادی بود که قرار بود با استفاده از همین امکانات فراگیر شود. به نظر می‌آمد دوران آزادی‌های فردی فراگیر فرا رسیده است. می‌توانی کتاب بنویسی و خودت منتشرش کنی و منت ناشر را هم نکشی. هر فیلمی دلت می‌خواهد بسازی و راحت با یک کلیک آنلاین منتشر کنی و میلیون‌ها نفر به آن دسترسی خواهند داشت؛ فارغ از سانسور و تقاضاهای تهیه‌کننده و ناشر. یا در مقام شهروند خبرنگار با موبایلت از هرچه دلت خواست فیلم بگیری و به هرجا می‌خواهی بفرستی. امروز دیگر گمانم باید برای همه آشکار شده باشد که این تصورات توهماتی بیش نبوده است.

شما می‌توانی فیلم «خودت» را بسازی و رمان «خودت» را بنویسی و آن را در فضای مجازی منتشر کنی، اما حالا دیگر باید روشن شده باشد که از میلیون‌ها نفری که می‌توانند با یک کلیک فیلمت را ببینند، شاید حتی یک نفر همین این کلیک را نکند. تو می‌توانی از رویدادهای روز فیلم بگیری، اما باید جایی باشد که فیلم را برایت نشان دهد. و اگر خودت به فکر راه‌اندازی چنین جایی باشی - کانالی، پیجی، ... - بزودی می‌بینی که برای دست‌وپا کردن مشتری باید تن به سلیقه مخاطبی بدهی که سلیقه‌اش را در نهایت همان ناشرها و تهیه‌کننده‌ها و حکومت‌ها شکل می‌دهند.

معنی این حرف‌ها این است که تکنولوژی دیجیتال در تمام زمینه‌ها امکاناتی فراهم کرده است که تا چند دهه پیش فکرش را هم نمی‌کردیم. شهروندان و دولت‌ها می‌توانند از این امکانات هریک در راستای اهداف خودشان استفاده کنند. به عبارت دیگر تکنولوژی وسیله‌ای است که گروه‌های اجتماعی ذینفع و افراد، هریک متناسب با منافع خودشان، از آن بهره بگیرند. شهروند در مواردی می‌تواند از امکانات رهایی‌بخش اینترنت بهره بگیرد و حکومت‌ها و شرکت‌های بزرگ می‌توانند از این تکنولوژی برای کنترل فعالیت‌های شهروندان استفاده کنند.

معنی این حرف چون‌وچرا در دیدگاهی است مبنی بر اینکه تکنولوژی ماهیت و اقتضائاتی دارد که از آنها گریزی نیست. مطابق این دیدگاه تکنولوژی دیجیتال ذاتاً کثرت‌گراست و امکان دسترسی همه شهروندان را به وسایل بیان نظرات‌شان فراهم می‌آورد. اما اتفاقی که در همین زمان کوتاه افتاده است به گمانم خلاف این را ثابت می‌کند. تکنولوژی وسیله است و هر طرف ماجرا دیر یا زود یاد می‌گیرد که از این وسیله چگونه برای حفظ منافع خودش استفاده کند.

یادداشت‌هایی در حاشیه «اکران آنلاین»

فیلم «خروج» از یکشنبه‌شب در دسترس مخاطبان سینمای ایران قرار گرفت تا نخستین اکران آنلاین یک فیلم سینمایی را در ایران تجربه کند اما چند ساعت نگذشت که نسخه‌های قابل دانلود آن وارد فضای مجازی شد. نسخه‌ای که می‌گفت نیازی نیست ۱۲ هزارتومن برای ۶ ساعت در دسترس بودن فیلم بدهید؛ بدزدید و استفاده کنید؛ هرچند در همین مدت حدود ۸۰ هزار مخاطب «خروج» را قانونی آنلاین دیدند. این یادداشت‌ها واکنشی به دوسوی این ماجراست.

در ستایش شرافت

گل‌بو فیوضی
نویسنده

در این خاکستری بی‌روزن، در روزهای اول سالی که می‌تواند روزهای هر جای هر سالی باشد، بس که معمولی و شکل هم هستند، فرصتی فراهم شده است. فرصتی که نه حتی چند سال پیش، که همین چند ماه قبل هم اگر درباره‌اش حرف می‌زدیم، دور به‌نظر می‌رسید و حالاحالاها ناممکن. اما دست داده است. حالا؛ وقتی سینماها، کافه‌ها، کتابخانه‌ها، پارک‌ها و هر جایی برای رفتن، برای نشستن، برای گذراندن وقت فراغت به روی ما بسته شده است. وقتی مفری از روزمرگی نداریم و محکومیم به کسالتی که می‌تواند به ورطه تکرار و اضطراب مبتلامان کند. فرصتی فراهم شده است از جنس سینما، که فیلم تاکنون اکران نشده را به خانه می‌آورد. پاسخ ما چیست؟ حتی فرصت نمی‌دهیم از این امکان تازه فراهم شده، لذت ببریم. از تبدیل شدن به یکی از آن کشورهایی که آرزویش را داریم خوشحال باشیم. ما سریع تا یک اتفاق مهم برایمان می‌افتد می‌دویم و همه چیز آن را نابود می‌کنیم. درست مثل وقتی دوستی برای دوستش کتابی را که آرزو داشته خریده و او جای لذت داشتن آن کتاب، ورق ورق آن را جدا کند و برای دیگران عکس بفرستد که ببینید من این کتاب را دارم. بعد چه می‌شود؟ دیگر نه کتابی مانده، نه مهری که کتاب دیگری بعد از آن نصیب او شود.

این درست خود ماییم. مابی که حتی سهم خودمان را هم از خودمان دریغ می‌کنیم. شاید هیچ زمان هنر و بخصوص سینما این طور با زندگی گره نخورده باشد. در این وانفسای آخرالزمانی که کسی خبر از فردای خود هم ندارد، اگرچه گاهی حتی فردا هم دور می‌شود بس که دوران پرالتهاب و پیش‌بینی نشده است، بیشترین چیزی که نیاز داریم همدلی و تغییر سبک زندگی و خلق‌وخو به سمت درستی و شرافت است. فاصله ما با آن جهان محترم که برخی حسرتش را می‌خوریم و بچه‌هامان را با قوانین و زبان آنها بار می‌آوریم اما خودمان با سرعت در جهت خلاف آن در حرکتیم. اگر فیلم به صورت آنلاین اکران شده است، به آن معناست که می‌شود فیلم را از خانه دید.

یعنی همان قدر که متمدن شده‌ایم و می‌رویم بلیت می‌خریم و در سینما فیلم می‌بینیم، می‌توانیم همان اندازه محترم باشیم و هزینه پرداخت کنیم و فیلم را در خلوت خودمان ببینیم. این بدان معنا نیست که چون امکان دزدیدن فراهم است پس بدزدیم. «ما» کجا می‌رویم؟ تمام آن تلاش و تقلای ساختن و اعتلای درست بودن چه می‌شود؟ گمان می‌کنم خیلی از ماها حتی اگر دری باز باشد، جنسی بی‌صاحب زمین مانده باشد و امکانی پیش پامان فراهم شود، برای از آن خود کردن چیزی که در قانون و عرف و پیش آنها که آبرو داریم، سهم و حق ما نیست، پرهیز می‌کنیم. ما دوست داریم چیزی را برداریم و داشته باشیم که حق داشتن آن را پرداخت کرده‌ایم و اِلا که می‌شود همین ماجرای مدام حرف زدن و صاحب شدن روان آدم‌ها بی‌مدرک و بی‌آگاهی.

بگذارید به خودمان بگوییم تعداد آنها که در این مملکت می‌خواهند شریف زندگی کنند و این شرافت و درستی را به فرزندان‌شان انتقال دهند زیاد است. نسلی که می‌خواهد به نسل بعد از خودش هم بیاموزد برای حرفی که می‌زنند باید دلیل داشته باشند. برای چیزی که صاحب می‌شوند، حق. آدم‌ها آن‌جا می‌ایستند که لایقش هستند و برایش تلاش کرده‌اند. اگر قرار است از جهان در حال توسعه، به جهان پیشرفته ترقی کنیم، بخش عظیم آن به گردن خودمان است. ماییم که می‌سازیم. ماییم که مراقبت می‌کنیم و در نهایت، آن تصویر نهایی، تصویر ما و جامعه ماست. یادم آمد در این روزهای قرنطینه، ویدئویی دیدم از یک بچه دبستانی که از پدرش می‌پرسید: حالا که دنیا دارد تمام می‌شود و ممکن است بعد از کرونایی وجود نداشته باشد چرا باید هنوز درس بخوانم؟ پدرش فقط یک جمله گفت: چون باشعورتر می‌میری.

حرکت روی لبه تیغ

سجاد صداقت
نویسنده

درست از همان روزی که اعلام شد ابراهیم حاتمی‌کیا و مؤسسه اوج تصمیم گرفته‌اند فیلم سینمایی «خروج» را به صورت آنلاین اکران کنند، معلوم بود که آغاز کردن چنین راهی با مشکلات فراوانی روبه‌رو خواهد بود. به خوبی می‌شد تشخیص داد وارد شدن به فضای آنلاین و گذار از اکران فیلم در سینما، حرکتی پر خطر و بر لبه تیغ است. اتفاقی که به شدت با نظرات مختلفی از سوی اهالی رسانه و سینما همراه شد و خیلی زود همه نگاه‌ها به این سمت چرخید که چنین قماری تا چه حد می‌تواند موفق باشد. حرکت تیم سازنده «خروج» را قمار می‌دانم چون مقوله اکران در سینمای ایران - به خصوص در سال‌های اخیر - به امری به شدت پیچیده تبدیل شده و برای رسیدن به اکران بهتر شاید نتوان از یک سری آیتم‌ها و قوانین مشخص و خاص حرف زد. از سوی دیگر به خوبی می‌شد رصد کرد که حاتمی‌کیا و دوستان چندان دغدغه بازگشت سرمایه ندارند، چرا که بسیاری از آثار تولیدشده در سینمای ایران شاید علاقه‌مند باشند از چنین راهی در دسترس مخاطب قرار گیرند اما عدم بازگشت سرمایه و اطمینان از مصون ماندن فیلم از قاچاق شدن، باعث می‌شود که کمتر به چنین گزینه‌هایی فکر کنند. اما در این میان نمی‌توان از سنت‌شکنی «خروج» به این سادگی‌ها گذشت. صنعت سرگرمی در دنیا در طول سال‌های اخیر تغییرات شگرفی کرده است. حالا شبکه‌های اینترنتی تبدیل به غول‌های بزرگ این صنعت شده‌اند. روزانه این شبکه‌ها ساعت‌ها برنامه تازه در شکل‌های متفاوت تولید و پخش می‌کنند. هر چند که همچنان بخش کلیدی کار شبکه‌هایی مانند نتفلیکس یا آمازون پرایم بر اساس سریال‌های تلویزیونی است، اما شبکه‌ای مانند نتفلیکس در طول سال‌های اخیر نشان داده که علاقه‌مند است به دنیای پرهیاهوی سینما نیز وارد شود و با استودیوهای فیلمسازی قدرتمند هالیوود هم رقابت کند. ساخت فیلم‌هایی چون «روما» و «مرد ایرلندی» نشان داد که در مقابل مخالفت‌های فراوان بخشی از هالیوود این رویدادی است که لاجرم اتفاق خواهد افتاد و کاری هم از دست کسی ساخته نیست. این شبکه‌ها با گرفتن هزینه‌های نه چندان زیاد و ماهانه، نه تنها تولیدات فراوانی را در اختیار مخاطبانشان قرار می‌دهند بلکه حاضرند برای آنکه ستون خیمه صنعت سرگرمی برقرار بماند، دست به تولید بهترین محصولات سینمایی هم بزنند.

تجربه غربی نشان داده اکران اینترنتی «خروج» درست همان درمانی است که سینمای ایران به آن نیاز دارد. سالانه نزدیک یا بیش از ۱۰۰ فیلم در سینمای ایران ساخته می‌شود که ظرفیت محدود اکران در کشور باعث شده بسیاری از آنها فرصت اکران درست را از دست دهند. اکران اینترنتی همان نسخه‌ای است که بخش مهمی از این فیلم‌ها را می‌تواند ضمن کسب درآمد به خانه‌های مردم بیاورد. به همین دلیل است که اکران «خروج» برای همه تهیه‌کنندگان و سرمایه‌گذاران سینمای ایران پدیده‌ای مهم و بسیار حیاتی است. به این مسأله شیوع کرونا را هم اضافه کنید تا ببینید که چقدر اکران اینترنتی به کار سینمای ایران و چرخه تولید و توزیع آن می‌آید. اما همه داستان این نیست.

نکته مهمی که درباره شبکه‌های آنلاین در همه جای دنیا وجود دارد این است که معمولاً وقتی شما از شکل پخش اینترنتی صحبت می‌کنید یعنی به سادگی قانون «ممکن است اثر شما قاچاق و بدون صرف هزینه دیده شود» را می‌پذیرید. این همان نکته‌ای است که احتمالاً شبکه‌های آنلاین بزرگ جهان و ووی‌اودی‌های ایرانی و همین طور صاحبان آثار در دنیا و مؤسسه اوج در ایران به خوبی به آن واقف بوده‌اند. اما فرقی که در اینجا با دیگر نقاط دنیا وجود دارد، نبودن قانون کپی‌رایت است. وقتی ما در ایران این قانون را نداریم پس به سادگی می‌پذیریم که ممکن است همان‌گونه که از شادی و شعف در دسترس قرار گرفتن تمام آثار روز سینما و تلویزیون دنیا بدون صرف هزینه خاصی در پست خود نمی‌گنجیم، پس چنین آسیبی را درباره آثار ایرانی هم باید بپذیریم. تیغ دو لبه اکران اینترنتی آثار ایرانی در ایران تا زمانی که فکر قانونی درست و حسابی برای آن نکنیم، با وجود همه سودهایی که به بار می‌آورد، ضررهای خاص خود را هم دارد. تنها باید به این فکر کنیم که چه زمانی تصمیم می‌گیریم اندکی ببندیشیم که کپی‌رایت هم می‌تواند قانون خوبی باشد؟

تجربه‌ای که می‌تواند موفق و آینده‌دار باشد

هوشنگ گلمکانی
منتقد

اکران آنلاین در روز و روزگاری که در آن هستیم می‌تواند امکان مناسبی برای تماشای فیلم‌هایی باشد که به دلیل شیوع ویروس و تعطیلی سینماها امکان اکران و تماشایشان وجود ندارد. البته به نظر می‌رسد که راهی جز این هم وجود ندارد و کارگردانی و تهیه‌کننده‌ای که با مشکلات فراوان، اثری ساخته‌اند این روزها، با توجه به بسترها و شرایط پیش آمده از این امکان می‌توانند به عنوان یک امکان مناسب برای فیلم‌شان استفاده کنند. به هر روی یک روز باید این اتفاق می‌افتاد و این کار در کشور ما هم با همه گیر و گرفتاری‌هایی که می‌تواند در بحث تکنیکی و اجرایی داشته باشد اتفاق می‌افتاد. به‌همین دلیل است که می‌گویم فی‌النفسه این اتفاق، اتفاق درخور توجهی است و آزمون مناسبی حداقل برای شروع، و در پله‌ها و قدم‌های بعدی پیدا کردن، مشکلات و بعد هم ورود پلتفرم‌های مختلف به حوزه تولید. در کشورهای دیگر هم چنین مسأله‌ای را داریم و البته آن‌ها نیز از پیشامدهایی که دغدغه بسیاری از تهیه‌کنندگان ایرانی برای اکران آنلاین است دور و بی‌خبر نیستند. در حالی که وضعیت اکران در کشورهای پیشرفته دنیا، چه به لحاظ تعداد سالن‌های سینمایی و هم به لحاظ کیفی پخش و اکران از ما بهتر است اما می‌بینیم که شبکه‌هایی مثل اچ‌بی‌او، نتفلیکس و... گوی رقابت را از سینماها گرفته‌اند و آن‌ها هستند که در این حوزه حرف اول را می‌زنند و یکی از بخش‌هایی که مدت‌هاست به آن ورود کرده‌اند هم حوزه پخش و اکران آنلاین است. این شبکه‌ها نیز، با چالش‌های دانلود غیرقانونی و... روبه‌رو هستند و همه مسأله، به کپی‌رایت برنمی‌گردد. در واقع فراتر از کپی‌رایت باید اسم دزدی را روی آن گذاشت که همه جای دنیا اتفاق می‌افتد. مثل این است که کسی ماشین‌اش را قفل و زنجیر کند اما باز هم کسی بیاید و سرقت و دزدی انجام دهد. پس به‌عقیده من این مسأله ناگزیر است و اتفاق می‌افتد اما همین مسأله می‌تواند هم‌اندیشی طلب کند که برای مستحکم‌تر کردن ساختارهای فنی اکران آنلاین چه کارهایی می‌توان انجام داد و برای این مسأله متخصصان امر باید بنشینند و فکر کنند. با همه این‌ها، برای هر تهیه‌کننده و کارگردانی، چه آن‌هایی که آن‌چنان به اکران فیلمش و خروجی گیشه با توجه به بحث کمی و کیفی سالن و... امیدی ندارند و چه برای کارگردان‌های پرفروش، این اکران آنلاین اتفاقی است که به ضرورت این روزها، رقم خورده و بعد از عبور و گذار از این روزهای خاص، هم می‌توان به آن فکر کرد و در کنار امکانات دیگری که وجود دارد، از آن استفاده کرد تا حداقل فیلم‌ها به دست مخاطبان خود برسند و سرمایه‌گذار و... هم کمتر متضرر شوند. نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد، مسأله ورود شبکه‌ها، پلتفرم‌ها و یا به گفته دیگر، وی‌اودی‌ها، به حوزه تولید است. به‌نظر می‌رسد این امکان برای پلتفرم‌هایی مثل فیلیمو وجود داشته باشد که با بسترسازی‌های مناسب، در آینده، مثل اچ‌بی‌او و نتفلیکس و... وارد میدان تولید فیلم شوند و همان راهی را بروند که این شبکه‌های بزرگ رفته و اتفاقاً در آن‌هم موفق بوده‌اند و توانسته‌اند انقلابی در این حوزه راه بیندازند. به نظر می‌رسد ما هم می‌توانیم چنین کاری کنیم و کم‌کم قدم به این راه بگذاریم که وارد تولید بشویم و حالا که به ضرورت، پنجره‌ای را در این خانه باز کرده‌ایم، پنجره‌های دیگر را هم باز کنیم و از مشکل بزرگ و شرایط پیچیده ماحصلی داشته باشیم که برای همه طرف‌ها، چه سازنده و چه مخاطب، معامله‌ای برد-برد باشد.

شهروند مجازی
یگانه خدامی

هشتگ
#شستا

عرضه اولیه سهام شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی (شستا) بازار بورس را تحت‌تأثیرقرارداد و اثرات این ماجرا را در شبکه‌های اجتماعی هم دیدیم چون کاربران زیادی درباره این موضوع می‌نوشتند. محمد شریعتمداری وزیرکار یکشنبه شب در توئیتر نوشت:«الوعده‌وفا! شستا بورسی شد.یعنی تحقق یک وعده بزرگ. با عرضه اولیه شستا به عنوان بزرگترین هلدینگ چند رشته‌ای کشور، گام جدی بسوی شفافیت وصیانت ازمنافع بیمه شدگان برداشته شد.این بازی برد-برد برای بیمه شدگان واقتصاد ایران است.این مهم جزبا تکیه برمدیریت جوان و علمی در شستا محقق نمی شد.»

شلوغی بورس و خرید و فروش به بهانه حضور شستا دراین بازار یکی از مهمترین مسائلی بود که کاربران به آن اشاره می‌کردند. البته خیلی‌ها هم سؤال‌هایشان درباره این عرضه می‌نوشتند: «تاریخ بورس به قبل و بعد ازعرضه شستا تقسیم خواهد شد»،«ان شاءالله در پروسه فروش شستا کسانی نخواهند ره صد ساله را یک‌شبه رفته و بارهفت پشتشان را ببندند ،نهادهای نظارتی امروز چشم باز کنند که فردا دیر است»، «از بزرگترین عرضه‌اولیه تاریخ بورس جا نمونید»، «از کانال هایی که توشون عضو بودم و به حساب خودشون سیگنال های شارپی می‌دادن، حدود ۶۰ درصدشون آگهی «جعلی»عرضه شستا رو منتشر کردن و چند ساعت بعد عذرخواهی کردند. یعنی این اساتید حتی نمی‌دونستن که شستا توی بورس عرضه میشه یا فرابورس!خداقوت پهلوان!.» یه سؤالی برام پیش اومد: پول واگذاری سهام شستا در بورس به جیب کی می‌ره؟ خزانه دولت؟ مگه مال دولته؟ اصلاً خود دولت ۲۵۰ هزارمیلیارد تومن به تأمین‌اجتماعی بدهکاره، حالا شستا روهم بفروشه پولش رو بگیره؟ تأمین اجتماعی؟ خب اینم که پولش مال خودش نیست، مال کارگراست.»، «موفقیت عرضه اولیه شستا و تأمین مالی حدود ۱۰ هزار میلیارد تومانی آن هم به شکل خُرد ظرف چند ساعت، نگاه تصمیم‌گیران ارشد کشور را نسبت به بورس تغییر خواهد داد»، «خدا نکنه بگن عرضه اولیه است . ملت برای تأمین نقدینگی خرید سهام عرضه اولیه طوری سهام می‌فروشن که انگار قراره رو اون سهم ۱۰۰۰درصد سود کنن. امروز زور فروششون یه کمی کم شد تا چهارشنبه ما با این شستا داستان داریم »،«بازار داره از اندازه عرضه اولیه شستا می‌ترسه در حالی که این رقم حتی اگر ۱۰ هزار میلیارد تومان هم بشه رقم ترسناکی نیست. خصوصاً اینکه بخش عمده ای از این پول از خارج بازار میاد و در داخل بازارهم کسانی که سرمایه زیر۵میلیون دارن سهامشون رو می‌فروشن به بقیه و میرن عرضه اولیه میخرن.»، «مگر شستا از سرمایه بیمه شدگان تأمین اجتماعی بوجود نیامده ؟ اگراز سرمایه بیمه شدگان تأمین اجتماعی تشکیل شده آیا خودش سهام دارندارد یعنی بیمه شدگان سهام دارآن نیستند؟اگرهستند چه کسی باید در مورد این سهام تصمیم بگیرد؟ با واگذاری تعهدات بیمه به بیمه شدگان چطورانجام خواهد شد؟»

عکس نوشت

قرار بود کنسرت زنده کیهان کلهر همراه گروه راه ابریشم برگزار شود و مردم بتوانند از طریق یوتیوب و لایوهای اینستاگرام آن را ببینند اما این اتفاق نیفتاد و اجرایی ضبط شده پخش شد. کیهان کلهر قبل از زمان اجرا در اینستاگرامش اطلاعیه‌ای را منتشر کرد که در آن نوشته شده بود: «طبق خبر منتشر شده از دفتر جاده ابریشم، قرار بود امشب اجرایی به صورت زنده با دیگر اعضای گروه در نقاط مختلف جهان شکل گیرد که کیهان کلهر امکان انجام این کار را نداشت. از این رو یکی از اجراهایی که چند روز پیش به صورت پست در این صفحه منتشر شده بود را در اختیار جاده ابریشم قرار دادیم تا دیگر مخاطبان از آدرس های داده شده آن را ببینند.» البته این نوازنده وعده داد به زودی با دقایقی اجرای سه تار یا کمانچه از طریق صفحه شخصی با مخاطبان خود دیدار می کند.